

فکر

ضمیمه رایگان روزنامه
شهر آرایه مناسبت سومین
سالگرد شهادت سردار
حاج قاسم سلیمانی

۱۳ دی ماه ۱۴۰۱



در پرواز با همه خوش و بش کرد



■ محمد توکلی معاون اماکن متبرکه حرم مطهر رضوی

وقتی سردار شهید شد، کمتر از دو سال از دریافت حکم خادمی اش در حرم امام رضا^(ع) می گذشت. من در زمان خدمت و شهادت سردار مسئول مدیریت امور خدمه آستان قدس رضوی بودم، ولی برخورد مستقیمی میان ما شکل نگرفته بود که بخواهم آن را نقل کنم. اما در چند مراسم رفتار او را از نزدیک دیده بودم که در ذهنم خضوع و فروتنی اش را مجسم می کند. در زمان اعطای حکم خادمی، معمولاً رسم بر این است که چند نفر حکمشان را از دست تولیت می گیرند و بقیه افراد حکم خدمت را از سر کشیک هادر یافت می کنند. سردار سلیمانی یکی از کسانی بود که حکمش را از تولیت وقت آستان گرفت. این مراسم سال ۱۳۹۷ برگزار شد و این شهید با خاکساری تمام در برابر امام رضا^(ع) حکم را گرفت و روی چشم گذاشت. من کمتر با این حالت روبه روده بودم. در مراسم عبار رویی روضه منوره افراد شاخص به عنوان مهمان دعوت می شوند. سردار سلیمانی یکی از افرادی بود که دوسه مرتبه در این مراسم حاضر شد. در یکی از این حضورها ایشان اجازه گرفت و کنار ضریح مطهر ایستاد. عکس معروفی که اکنون خیلی ها آن را دیده اند، در این مراسم گرفته شد. سردار سرش را روی در ضریح مطهر گذاشت و

جوری گریه کرد که صدای شیونش بلند شد و شانه هایش می لرزید. در یک سفر هوایی متوجه شدم که سردار سلیمانی نیز در آن پرواز حاضر است. هنگام پرواز از جایش بلند شد و باتک تک افرادی که در این سفر همراهان بودند، خوش و بش کرد. برایش فرقی نداشت که وضعیت ظاهری برخی افراد چگونه است و چطور لباس پوشیده اند، با همه رفتار یکسانی داشت و عشقش به مردم این گونه بود. از آنجا که سردار بیشتر اوقات در مأموریت خارج از کشور حضور داشت، نمی توانست در روزهای خاص برای گذراندن دوره خدمتش در حرم مطهر رضوی حاضر شود، اما هر زمان که توفیق حضور می یافت، چند ساعتی را در روضه منوره مشغول زیارت و عبادت و خدمت به زائران رضوی می شد. عادت داشت جایی بایستد که توی چشم نباشد. در مراسم خطبه خوانی در صحن انقلاب اسلامی حرم مطهر رضوی، در حالی که لباس خادمی به تن داشت، در گوشه ای بین ۴۹ هزار خادمی که حضور یافته بودند، ایستاد. تشییع پیکر سردار هم نادر بود. مطابق آداب تشریف رویه ضریح و پشت به در خارج می شویم. وقتی که تا بوت شهیدای آن حادثه به محضر امام رضا^(ع) و روضه منوره رسید، به همین شکل از محضر حضرت بیرون آمدم تا این شهید با همان تواضع و ارادت همیشگی که به امام هشتم داشت، از محضر ایشان خارج شود.

شعری که سردار دوست داشت



■ امیر عارف امداح اهل بیت^(ع)

در یکی از روزها که قرار بود روضه منوره را شست و شو بدهیم، شروع کردیم به آماده کردن فضا. سردار سلیمانی هم وارد شد و من که از قبل با شهید مراوده داشتیم، او را شناختم. به من اشاره کرد که چیزی نگو. من هم سکوت کردم و در ادامه شعری خواندم. سردار هم شروع به شست و شوی فضا کرد. من شعر را ادامه دادم. او هم طی را کنار گذاشت و کنار روضه منوره اشک از چشمانش جاری شد. حال خوبی پیدا کرده بود. برنامه تمام شد. از در که بیرون می آمدم، گفت امشب قرار است حکم خادمی ام اعطا شود. من دلم می خواهد این شعر را آنجا هم بخوانی. گفتم دست من نیست. سردار گفت من با تولیت هماهنگ می کنم تا شما هم آنجا باشی. قبول کردم. از درب دارالسرور (کفشداری شماره ۷ قدیم) بیرون آمدم. ناگهان گوشی ام زنگ خورد و مدیر مراسم های حرم به من اعلام کرد که امشب برنامه اعطای احکام داریم و شما مداحش هستی. به

حاج آقا گفتم لازم نیست به کسی بگویی، خودش جور شد. شب شد. من هم در این برنامه حاضر شدم و آن شعر را خواندم که الان کلیپش هم وجود دارد. من شروع کردم به خواندن: «ای صفای قلب زارم هر چه دارم از تو دارم/ تا قیامت ای رضاجان سر ز خاکت برندارم». شب جمعه بود. پس از دریافت حکم، از پله های تالار ولایت پایین آمدم و به آسایشگاه وارد شدیم. داشتیم جای می خوردیم که گفت اگر جنازه من به حرم آمد، قول بده همین شعر را برایم بخوانی. این گذشت تا زمانی که آن اتفاق سخت افتاد. وقتی پیکرش وارد دارالحفاظ شد، من این دم را دادم که «ای اهل حرم میر و علمدار خوش آمد/ سردار حسین سید و سالار خوش آمد». هنگامی که خواستند پیکر حاج قاسم را به روضه منوره ببرند، توصیه اش را به یاد آوردم. منقلب شدم. تا خواندم «منم خاک درت، غلام و نوکرت/ مران از در مرا، به جان مادرت، انگار طوفانی به پا شد. انگار همه آن هایی که در بهت این شهادت بودند، یک باره دچار غلیان شدند و پیکر حاج قاسم بر موج گریه ها به ساحل روضه منوره رسید.

